

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مؤسسہ پژوهشی حکمت و فلسفہ ایران

رموز اشرافی شاہنامہ
(شرح ابیات و حل رموز داستان سیاوش)

بابک عالیخان



سرشناسه	: عالیخانی، بابک، ۱۳۴۲-
عنوان قراردادی	: شاهنامه برگزیده شرح
عنوان و نام پدیدآور	: Selections. Commentaries Shahnameh
مشخصات نشر	: رموز اشراقی شاهنامه: (شرح ابیات و حل رموز داستان سیاوخش) / بابک عالیخانی.
مشخصات ظاهری	: تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۰.
شابک	: 978-622-6331-19-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: شرح ابیات و حل رموز داستان سیاوخش.
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه. سیاوش -- نقد و تفسیر
موضوع	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh. Siyavash-- Cricisim and interpretation
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 10-20th centuries -- History and criticism
شناسه افزوده	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه. سیاوش. شرح
شناسه افزوده	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh. Siyavash
شناسه افزوده	: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
شناسه افزوده	: Muassasah-i Pizhūhishī-i Hikmat va Falsafah-i Irān
رده بندی کنگره	: ۴۴۹۶PIR
رده بندی دیویی	: ۱/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۷۸۷۹۸



رموز اشراقی شاهنامه

(شرح ابیات و حل رموز داستان سیاوخش)

نویسنده: بابک عالیخانی

صفحه آرا: معصومه قاسمی

طراح جلد: بنفشه رضایی نیارکی

خطاط: لیلا وزیری

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و انتشارات

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان شهید آراکلیان، پلاک ۴

تلفن: ۶۶۴۰۵۴۴۵، نمابر: ۶۶۹۵۳۳۴۲

شابک: ۷-۱۹-۶۳۳۱-۶۲۲-۹۷۸-۹۷۸-۶۳۳۱-۱۹-۷ ISBN: 978-622-6331-19-7

حق چاپ و نشر محفوظ است

www.irip.ir

ز خاکی که خونِ سیاؤش بَخورد
به ابر اندر آمد یکی سبز نرد
نگاریده بر برگها چهر اوی
همی بوی مُشک آمد از مهر اوی
به دی مَه به سانِ بهاران بُدی
پرستش گه سوگواران بُدی
(ابیات ۲۵۰۰-۲۵۰۲)

فهرست مطالب

۱۱.....	سخن نخست
۱۹.....	بخش یکم: شرح ایبات داستان سیاوخش.....
۲۱.....	(۱) خطبه داستان سیاوخش.....
۲۴.....	(۲) مادر سیاوخش و زادن او.....
۳۰.....	(۳) سیاوخش در زاولستان.....
۳۲.....	(۴) بازگشت به ایران.....
۳۶.....	(۵) سوداوه شوخ چشم.....
۵۸.....	(۶) دنباله ماجرای سوداوه.....
۶۸.....	(۷) سیاوخش در آتش.....
۷۴.....	(۸) پیروزی در آزمون.....
۸۲.....	(۹) در جنگ با تورانی‌ها.....
۸۹.....	(۱۰) فتح نامه شهر بلخ.....
۹۳.....	(۱۱) رؤیای افراسیاب و تعبیر آن.....
۱۰۲.....	(۱۲) آشتی جستن افراسیاب.....
۱۰۷.....	(۱۳) پذیرفتن پیشنهاد صلح.....
۱۱۰.....	(۱۴) فرستادن رستم به نزد پدر.....
۱۱۳.....	(۱۵) جوش و خروش کاووس.....
۱۱۸.....	(۱۶) سیاوخش در آزمونی دیگر.....
۱۲۸.....	(۱۷) آهنگ گذار از جیحون.....
۱۳۴.....	(۱۸) دعوت نامه افراسیاب.....

۱۳۸	۱۹) واپسین نامه به پدر
۱۴۰	۲۰) هجرت سیاوخش به توران
۱۴۶	۲۱) استقبال از سیاوخش
۱۵۰	۲۲) هنرنمایی سیاوخش
۱۵۹	۲۳) پیوند سیاوخش و فریگیس
۱۶۸	۲۴) در انداختن طرح نوآیین
۱۷۵	۲۵) دیدار پیران از سیاوخشگرد
۱۷۹	۲۶) گرسیوز در سیاوخشگرد
۱۸۶	۲۷) آغاز فتنه جویی گرسیوز
۱۹۱	۲۸) سفر دوم گرسیوز به سیاوخشگرد
۲۰۱	۲۹) تاختن افراسیاب بر سیاوخشگرد
۲۰۳	۳۰) رازگشودن سیاوخش با فریگیس
۲۰۹	۳۱) بیرون شدن از سیاوخشگرد
۲۱۶	۳۲) شهادت و آغاز سوگواری‌ها
۲۱۸	۳۳) قصد افراسیاب به کشتن فریگیس
۲۲۲	۳۴) میلاد کیخسرو نیک‌بی
۲۲۵	۳۵) سپردن کیخسرو به شبانان
۲۲۹	۳۶) پرسش و پاسخ افراسیاب و کیخسرو
۲۳۳	بخش دوم: حلّ رموز داستان سیاوخش
۲۳۵	مقدمه
۲۶۳	۱) در سایه سیمرغ
۲۸۱	۲) نور سکینه
۲۹۷	۳) انسان قدیم
۳۱۱	۴) صلح کلّ
۳۲۱	۵) مقام فتوت
۳۳۷	۶) تأسیس شهر
۳۵۵	۷) شهادت و سوگواری
۳۶۳	۸) درخت خسروانی

بخش سوم: ضنائم.....	۳۷۱
(۱) شرح مختصر دیباچه شاهنامه.....	۳۷۳
(۲) فتوّت و حکمت اشراق.....	۳۸۷
(۳) رمز و تمثیل از دیدگاه حکمت اشراق.....	۳۹۵
(۴) صفت کنگ‌دز سیاوخش به ترکستان.....	۴۰۵
(۵) چند نگاره از داستان سیاوخش.....	۴۰۹
(۶) یادگار زریر.....	۴۳۳
(۷) صفیر سیمرخ.....	۴۶۷
فهارس.....	۴۸۱
(۱) راهنمای شرح اییات.....	۴۸۳
(۲) راهنمای حلّ رموز.....	۴۹۹
(۳) راهنمای ضنائم.....	۵۱۹
(۴) فهرست آیات کریمه قرآنی.....	۵۳۳
(۵) فهرست احادیث.....	۵۳۵
(۶) فهرست عبارات ترجمه بنداری.....	۵۳۷
(۷) فهرست شواهد از شاهنامه فردوسی.....	۵۴۱
(۸) فهرست شواهد از کتب شعرا.....	۵۴۹
(۹) فهرست گزیده منابع و مأخذ.....	۵۵۹

به نام خداوند فراخ‌بخشایش مهربان

سخن نخست

«ارْجُنَانِ سَتَ كِه دَسْتِ كَذَارِي بِه مَن تَا مَرَا كُشِي،
مَن آن نِهَام كِه دَسْتِ كَذَارِم بِه تُو تَا تُرَا كُشِم؛ مَن
مِي تَرَسَمِ از خُدَاي، خُدَاوَنِدِ جِهَانِيَان.»^۱
(سُورَةُ مَائِدَه، آيَةُ ۲۸)

بعد از حمد و صلوة، اين دفتر اختصاص يافته است به تبیین رموز داستان سیاوخش در شاهنامه، ولی پیشتر بر یکایک بیت‌های آن داستان توضیح ضروری نوشته شده و از رهگذر بررسی انتقادی دو شرح بسیار خوب^۲ سعی بر این بوده است که مسائل متعلق به قرائت و فهم درست متن در حدّ مقدور حلّ و فصل گردد. صورت ایات که در این نوشته ارائه می‌گردد در اساس مأخوذ است از تصحیح بی‌نظیر شاهنامه به اهتمام دکتر جلال خالقی مطلق، ولیکن روش «تصحیح تحقیقی» آن دانشمند این مجال را فراهم ساخته است تا در تار و پود لفظ و معنی ایات تدقیق‌های دیگری صورت گیرد؛ رسم‌الخطّ و علائم و عنوان‌ها و شماره‌بندی ایات همگی مخصوص خود این دفتر است و با تصحیح مزبور یکی نیست؛ مقصود از این کار، سهولت مطالعه و مراجعه خوانندگان گرامی بوده است.

در داستان سیاوخش ایاتی هست که پاره‌ای از آنها را مرحوم مجتبی مینوی در کتاب داستان سیاوش کم‌وبیش نامفهوم قلمداد کرده است، مثلاً سیاوش به پدر خود می‌گوید:

اگر کوه آتش بُود بشُپرَم ازین تنگ خوارست اگر بگذرم^۳ (۱)

ولی از روی مقایسه با سخن دیگر سیاوش در آخرین نامه‌ای که به پدرش نوشته است می‌توان

۱- سخن هابیل خطاب به قابیل، به نقل از: تفسیر کشف‌الأسرار وَ عَدَّةُ الْأَبْرَارِ، مجلد سوم، ص ۹۰

۲- یادداشت‌های شاهنامه از دکتر جلال خالقی مطلق و نامه باستان از دکتر میرجلال‌الدین کزازی

۳- مطابق نسخه لندن؛ در چاپ دکتر خالقی می‌خوانیم:

اگر کوه آتش بُود بشُپرَم ازین نیک خوارست اگر بگذرم

صورت درست این بیت را به دست آورد:

اگر کوه آتش بُود بسپرم
ازین، ننگ و خواری ست گر نگذرم
(بیت ۴۶۴)

از ابیات ذیل نیز می‌توان یاد کرد (ابتدا صورت متعلق به چاپ دکتر خالقی آورده شده است):
(۲) زمینِ کوزستان بُد از پیشتر که خوانی همی ماورالنهَر در
زمینِ کوی ساران بُد از پیشتر که خوانی همی ماورالنهَر بر
(بیت ۱۳۲)

در مصراع دوم «ماورالنهَر بر» اضافه مقلوب است: بر و بومِ ماوراءالنهَر. با این بیت شاهنامه می‌توان مقایسه کرد:

سرِ شهر یاری همی نو کنی بر پارس باید که بی خو کنی

(۳) سپهبد سیاوخش را خواند و گفت که خون و پی و مهر نتوان نهفت
سپهبد سیاوخش را خواند و گفت که خون دل و مهر نتوان نهفت
(بیت ۱۴۵)

به نظر می‌رسد که در مصراع دوم این بیت، «خون و پی» تصحیف «خون دل» باشد. در چند بیت پیشتر نیز خوانده‌ایم:

همه روی پوشیدگان را ز مهر پر از خون دل ست و پر از آبِ چهر
(بیت ۱۴۲)

(۴) که بسیار دانست و چیره‌زوان هُشیوار و بینادل و بدگمان
که بسیار دانست و چیره‌زوان هُشیوار و بینا و روشن‌روان
(بیت ۱۵۳)

نظر به دقایق مربوط به قافیه در شاهنامه، «بدگمان» قطعاً تصحیف کلمه دیگری است. «زوان» تنها با چند کلمه محدود (مانند روان، دوان، گوان، نوان و توان) قافیه می‌افتد. از روی ابیات مشابه می‌توان حدس زد که «بینادل و بدگمان» صورت دگرگشته «بینا و روشن‌روان» است.

- (۵) بدو گفت سوداوه: همتایِ شاه ندیده‌ست بر گاهِ خورشید و ماه
 بدو گفت سوداوه: همتایِ شاه نیارند یک شاه، خورشید و ماه
 (بیت ۲۱۱)

با این بیت می‌توان مقایسه کرد:

ز تور و پشنگ ار درآید به مهر چو تو پهلوان نیز نآرد سپهر

- (۶) یکی شاد کن در نهانی مرا بیخشای روزِ جوانی مرا
 یکی شاد کن در نهانی مرا بیخشا به زودی جهانی مرا
 (بیت ۳۱۶)

در شاهنامه «نهانی» با «جوانی» قافیه نمی‌افتد، بنابراین، «جوانی» تصحیف کلمهٔ دیگری است. «نهان» در شاهنامه با بیش از چند کلمهٔ دیگر (مانند جهان، کهان، مهان، شهان و ناگهان) قافیه نشده است. از اینجا می‌توان حدس زد که «جوانی» دگرگشتهٔ «جهانی» بوده است. «بیخشا» در این بیت به معنی «بیخش» (از مصدر بخشیدن و نه بخشودن) است. «ی» در «نهانی»، یای نکره است، یعنی در خلوتی.

- (۷) بدان تا شوند آگه از کارِ اوی به دانش برانند پرگارِ اوی
 بدان تا شوند آگه از کارِ اوی به دانش برآزند پرگارِ اوی
 (بیت ۴۰۸)

«پرگار راندن» مانند «پرگار زدن» به معنی طرح چیزی را در انداختن و پدید آوردن آن است، درحالی‌که «پرگار برآوردن» به معنی استخراج طالع به کار رفته است. در نسخهٔ فلورانس «بدارند پرگار» آمده که به نظر می‌رسد تصحیف «برآرند پرگار» باشد.

- (۸) بگفتند با شاه کین زن چه گفت جهان‌آفرین داند اندر نهفت
 بگفتند با شاه کین زن چه گفت جهان‌آفرین داند آنرا نهفت
 (بیت ۴۳۳)

مقصود این است که سرِ سخن سر بستهٔ زن جادوگر را تنها خدای تعالی می‌داند و بس!

- (۹) بدو گفت موبد که چندین سپاه
 بدو گفت موبد چه اند این سپاه
 چو خود رفت باید بدآوردگاه؟
 چو خود رفت باید به آوردگاه؟
 (بیت ۵۶۷)

- (۱۰) سیاوش پناه و روان من ست
 سیاوش پناه از غمان من ست
 سر تاج او آسمان من ست
 سر تاج او آسمان من ست
 (بیت ۵۹۵)

در شاهنامه «آسمان» هرگز با «روان» قافیه نشده است. کلمات معدودی که در اینجا به جانشینی «روان» می‌توان در نظر گرفت اینهاست: «زمان، دمان، کمان، همان، نمان، بمان و غمان». از آنجا که پناه از گزند و پناه از بدی و امثال اینها را بارها در شاهنامه می‌بینیم، در اینجا می‌توان حدس زد که اصل عبارت چنین است: «سیاوش پناه از غمان من ست».

- (۱۱) همان ست کاووس کز پیش بود
 همان ست کاووس کز پیش بود
 ز تیزی نه کاهد، نه هرگز فزود
 ز کشتی^۲ نه کاهد، نه هرگز فزود
 (بیت ۸۸۶)

در نسخه فلورانس نه «تیزی»، بلکه «گیتی» آمده است، ولی به نظر می‌رسد «گیتی» تصحیف «کشتی» باشد.

- (۱۲) گزیدم بر آن سوز بی آب جنگ
 گزیدم بر آن سوز بی آب جنگ
 مگر دور مانم ز چنگ نهنگ
 مگر دور مانم ز چنگ نهنگ
 (بیت ۱۰۲۳)

تضاد سوز و جنگ مانند تضاد بزم و رزم است.

۱- بدآوردگاه: به آوردگاه. در نسخه فلورانس که تصحیح متن شاهنامه را وارد مرحله تازه‌ای کرده است، گاه این گونه دال باستانی پیش از مصوت‌های کوتاه و بلند دیده می‌شود. از این دال در فارسی تنها «بدو، بدان و بدین» باقی مانده است. در تصحیح دکتر خالقی این گونه دال به کل شاهنامه تعمیم داده شده است، ولی در این تحقیق از شیوه این پژوهنده گرامی پیروی نکرده‌ایم.

۲- کشتی: غرور، رعونت

(۱۳) اگر خود جز اینش نبودی هنر
برآشفت و بگذاشت تخت و کلاه
بدان کشور اندر بُود مهتری
که زان خونِ صد نامور با پدر
همی از تو جوید بدین گونه راه
که باشد خریدارِ گُنداوری؟
(ابیات ۱۱۲۶-۱۱۲۸)

اگر خود جز اینش نبودی هنر
برآشفت و بگذاشت تخت و کلاه
بدان کشور اندر بُدی مهتری^۱
کز آن خونِ صد نامور با پدر،
همی از تو جوید برین گونه راه،
که باشد خریدارِ گُنداوری؟
(ابیات ۱۱۲۲-۱۱۲۴)

(۱۴) سیاوش غمی گشت از ایرانیان
سیاوش غمی گشت از ایرانیان
سَخُن گفت بر پهلوانی زوان
سَخُن گفت بر پهلوی زان میان
(بیت ۱۳۶۷)

از آنجا که «ایرانیان» با «زوان» هرگز قافیه نمی‌افتد، از یکی از نسخه‌های شاهنامه (نسخهٔ واتیکان) صورت بالا را به دست می‌آوریم.

(۱۵) به یک روی دریا، به یک روی راه
به یک روی دریا، به یک روی راه
به یک روی بُد کوه و نخچیرگاه
به یک روی بُد کوه و نخچیرگاه
(بیت ۱۵۷۰)

نظر به مصراع نخست، «بر» را حرف اضافهٔ مؤخَّر نمی‌توان انگاشت. حرف اضافهٔ مقَدَّم نیز نمی‌تواند بود.

(۱۶) به گُلشهر گفت: آنکه خَرَم بهشت
به گُلشهر گفت: آنکه خَرَم بهشت
ندید و نداند که رضوان چه کِشت
ندیده، نداند که رضوان چه کِشت
(بیت ۱۷۰۳)

۱- این مصراع، جواب شرط مذکور در دو بیت سابق است.

- (۱۷) سیاوش پیرسیدش از بیمِ جان^۱ مگر گفت بدخواه گردد نهان
سیاوش پیرسیدش از ناگهان مگر گفت بدخواه گردد نهان
(بیت ۲۱۴۴)

در شاهنامه «نهان» هرگز با «جان» قافیه نمی‌افتد. «از ناگهان» از تعابیر متداول شاهنامه است.^۲

- (۱۸) به بیغوله‌ای خیزم از بیمِ جان مگر خود سرآید به زودی زمان
به بیغوله‌ای غیژم اندر نهان مگر خود سرآید به زودی جهان
(بیت ۲۲۰۷)

از آنجا که «جان» و «زمان» در شاهنامه قافیه نمی‌افتد، از روی نسخه‌ها می‌توان بیت را بدین صورت تصحیح کرد.^۳

- (۱۹) پیامد تُرا کرد پشت و پناه کنون زو چه جوئی، که بُردت ز راه؟
بمائد و تُرا کرد پشت و پناه کنون زو چه جوئی، که بُردت ز راه؟
(بیت ۲۲۳۰)

به نظر می‌رسد که «بمائد و» به جای «پیامد» درست است، وگرنه «چنان افسر و تخت و بنگاه را» در بیت قبل معلق در فضا باقی می‌ماند.

در بخش دوم این کتاب، به حلّ رموز داستان سیاوخش پرداخته‌ایم و در این کار به تعالیم اشراقی سهروردی استناد نموده‌ایم. این داستان را به روش‌های گوناگون، مثلاً به روش ساختارگرایان یا روش پدیدارشناسان می‌توان بررسی کرد، ولی روش ما در این تحقیق «روش اشراقی» مقتبس از سهروردی است.^۴ در این روش، معانی رموز شکافته می‌شود و به صورت منسجم ارائه می‌گردد. در این باره، یک

۱- بر پایه آنچه در اینجا می‌خوانیم، تصویر شخصی زبون و بزدل در ذهن‌مان نقش می‌بندد که سخت در پی نگره داشتن جان خود به هر قیمت است. پژوهندگان شاهنامه لازم است که پیش از ورود در عرصه تفسیر، در باب صورت صحیح ابیات پژوهش کنند.

۲- یکی بومهین خیزد از ناگهان بر و بومشان پاک گردد نهان

۳- «اندر نهان» مطابق نسخه واتیکان است و «جهان» مطابق نسخه‌های فلورانس و قاهره و واتیکان.

۴- برای دریافتن حکمت اشراق هیچ کاری بهتر از مطالعه رسائل و کتب سهروردی نیست، ولی نوشته هانری کرین تحت عنوان سهروردی و افلاطونیان ایران (مجلد دوم کتاب اسلام در سرزمین ایران) به ترجمه دکتر رضا کوهکن دهلیز مناسبی برای ورود به تعالیم سهروردی است. کتاب کرین را در ستاره‌نگار؛ مطالعه تلخیص و توضیح ←

رشته توضیحات لازم در مقدمه بخش دوم ذکر شده که خواننده محترم بهتر است به ترتیب، پس از مطالعه سراسر بخش نخست (شرح اییات) به مطالعه آن مقدمه و سپس فصول هشتگانه کتاب بپردازد. ضمائم نیز به این دفتر افزوده شده است که روشنگر پاره‌ای از مطالب متعلق به شرح اییات و حل رموز می‌تواند بود.

در اینجا لازم است که از مسئولان محترم صندوق حمایت از پژوهشگران و فن‌آوران مراتب سپاسگزاری خود را ثبت نمایم. از محقق ارجمند، سرکار خانم دکتر مریم اسدیان که در جزء جزء این نوشته همکاری و همفکری داشته‌اند بی‌نهایت متشکرم، و از سرکار خانم شیرین خادمی که در بخش متعلق به نگاره‌های شاهنامه یاری نموده‌اند، و نیز از سرکار خانم زهرا نوری سپاسگزارم. لطف استاد محمد کاظمی و آقای دکتر اسماعیل رادپور و آقای دکتر سیداحمدرضا قائم‌مقامی فراموش‌ناشدنی است و موجب امتنان. از سرکار خانم دکتر زهرا خدایاری، سرکار خانم دکتر سونا سلیمیان و سرکار خانم فرزانه فرزاد که متن را به دقت خواندند و سهوها را گوشزد نمودند قدردانی ویژه لازم است. همچنین از حسن توجه آقای دکتر غلامرضا زکیانی، رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، و آقای دکتر سیدمحمود یوسف ثانی، معاون پژوهشی مؤسسه، و آقای دکتر شهرام بازوکی، رئیس گروه ادیان و عرفان مؤسسه، سپاس فراوان دارم.

ششم تیرماه ۱۳۹۹